

نگاه جناحی و وارونه جلوه دادن حقایق

همین چند ماه پیش بود که وقتی بیماری در یکی از مراکز درمانی اردبیل سرفه می کرد برخی ها در فضای مجازی به حاشیه سازی می پرداختند و با قیافه حق به جانب، زمین و زمان را به هم می دوختند که آهای بیایید و به دادمان برسید که مدیر به جا مانده از دولت قبل عامل اصلی سرفه ای است که با صدایی خفیف و نه گوش آزار انجام پذیرفته است.

اگر نگهبان یک مرکز درمانی در خارج از ساعت مقرر و در راستای تامین آسایش بیماران و حفظ نظم و مقررات ، اجازه ملاقات به افراد عادی را نمی داد صدای آنهایی که به هر دلیل و علتی هواداری و جانبداری همه جانبه از دولت را پیشه خود ساخته اند، بلند می شد که گناه این قبیل اقدامات و تصمیم گیری ها بر گردن مدیر دانشگاه است و چون او از مدیرانی است که در دولت قبلی حکم گرفته است عامل این نابسامانی ها و حرکت ها بوده و باید هر چه زودتر عذرش خواسته شود و یکی از وابستگان و هواداران دولت میز ریاست را تحویل بگیرد.

و در نهایت با تصمیمی که شاید در اتاق های فکر فعال گرفته می شد ، وابستگان به آن اتاق ها همه نیرو و توان خود را به کار می بستند تا رئیس وقت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل را مقصر اصلی و متهم درجه یک همه مشکلات، کمبودها ، کاستی ها و خطا های انسانی قلمداد کنند و زمینه را برای برکناری وی فراهم نمایند.

و چه صبور و بزرگووار بود رئیس وقت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل که حتی برای یک بار هم که شده در برابر آن همه هجمه حساب شده موضعگیری نکرد و تا آخرین دقایق به انجام وظیفه مشغول گردید و در دام حاشیه ها و حاشیه سازها گرفتار نشد.

حادثه ممکن است هر لحظه اتفاق بیافتد. ثانیه ها آستن حوادث مختلف هستند و دور از اخلاق سیاسی و عرف است که برای رسیدن به یک هدف ناشی از نگرش های سیاسی و جناحی هر حادثه ای آلت دست قرار بگیرد و از آن برای تسویه حساب های جناحی استفاده شود.

در هفته گذشته حادثه ای دیگر که در ارتباط با دانشگاه علوم پزشکی بود اتفاق افتاد ، حادثه ای ناگووار و دلخراش که دل همه مردم استان را به درد آورد، حادثه ای که بر اثر واژگونی یک دستگاه آمبولانس در حال ماموریت سه نفر از هموطنان جان به جان آفرین

تسلیم کردند . در این حادثه جامعه مطبوعاتی استان نیز عزادار شد چرا که یکی از نویسندگان استان جان خود را از دست داد. مرحوم شیرین زبان نویسنده ای توانا، پرستاری متعهد و وظیفه شناس و انسانی وارسته و بزرگواری که در راه خدمت به انسان ها چشم از جهان فرو بست و نامی نیک از خود به یادگار گذاشت.

قصد ما این نیست که در این ارتباط به دنبال مقصر بگردیم و این اتفاق را بهانه ای برای کوبیدن این و یا مطرح کردن آن قرار بدهیم بلکه نظر به رفتارهای دوگانه برخی از عزیزان است که متأسفانه سنگ بی طرفی، عشق به مردم و دفاع از حقوق جامعه را به سینه می زنند . به راستی اگر این امر در زمان مدیریت دکتر پورفری اتفاق می افتاد پیشقراولان عرصه اطلاع رسانی در فضای مجازی و هواداران دولت در منطقه چه نوشته هایی که نمی نوشتند و چه فضایی که ایجاد نمی کردند. آیا بعد از این حادثه کلمه ای نوشتند و نوک انتقاد را به سوی فردی نشانه گرفتند و از دلایل برخی از کمبودها سخن به میان آوردند و برای برطرف کردن آن با مسؤولین حرف هایی را در میان گذاشتند؟

چنین چیزی دیده نشد و تا توانستند اطلاعیه های دانشگاه علوم پزشکی را منتشر کردند تا به نوعی اگر مشکلی هم بوده که دامن برخی ها را بگیرد به این ترتیب تحت الشعاع قرار بدهند.

به راستی آنهایی که مدتی ماموریتی جز ضربه زدن به رئیس وقت دانشگاه علوم پزشکی را بر عهده نداشتند و به هر بهانه ای و به گناه نابخشودنی و غیر قابل چشم پوشی انتصاب در زمان دولت قبل فضا را بر علیه وی آماده می کردند چرا امروز در قبال یک حادثه ای مهم لب فرو می بندند و حرفی از آن به میان نمی آورند؟

انسان اگر منصف باشد و خداوند متعال را در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار و کردار خود ببیند برای دو روز دنیا و موقعیتی زودگذر ، چشم ها را بر روی واقعیت ها نمی بندد و همه چیز را فدای گروه بازی و جناح بازی نمی کند. پست ها و مقام ها و موقعیت ها در هر حال می آیند و می روند مهم آن باشد که انسان در پیشگاه وجدان و حضرت حق شرمنده نباشد.

چرا موردی که در زمان مدیریت پورفری گناهی نابخشودنی و جرمی بزرگ و خیانتی آشکار تلقی می شد امروز به آسانی از کنارش می گذرند؟ مراجعه این قبیل سینه چاکان و دلبستگان به قدرت به بهترین قاضی یعنی وجدان و مقایسه رفتار های خود در قبال اتفاقات روی داده در دانشگاه علوم پزشکی در یک سال اخیر می تواند جوابگوی بسیاری از سؤالات قابل طرح در این زمینه باشد.